



Legal challenges of right of publicity in the light of artificial intelligence

Nastaran Mohammadi¹ | Javad Hoseinzadeh^{2*} | Abbas Mirshekari³

1. Department of Law, Faculty of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran. Email: n.mohammadi.1371@gmail.com

2. Corresponding Author, Department of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran. Email: hoseinzadeh@usc.ac.ir

3. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran. Email: mirshekariabbas1@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received April 26, 2024

Revised October 15, 2024

Accepted October 16, 2024

Published online 18 March 2025

Keywords:

Artificial Intelligence,

Deep Fake,

Freedom of Expression,

Right of Publicity.

ABSTRACT

Objective: The emergence of AI-powered generative software with its high simulation capabilities, poses challenges for fields related to Personality rights, particularly the right of publicity, AI can identifying features of a famous individual without their real involvement, through the production of deep fakes. Concerns caused by digital versions that seem unrecognizable from the real version of people, have progressed to the point where American senators drafted a bill regarding it in 2023. considering the lack of country's legal literature In the field of artificial intelligence .authors used legal texts of the United States and after clarifying nature of the right to digital copy, discussed the conflict between the right to advance and artificial intelligence and the ways to solve it Method: The research uses an analytical-descriptive method, with data collection conducted through a comparative study of American. **Conclusion:** It is suggested to prioritize the principle of supporting the right of publicity and, in order to preserve larger interests such as freedom of expression and encouragement of creativity, consider exceptions for the preference of artificial intelligence. In this regard, three principles are introduced, namely: the principle of fair use, the principle of public domain information, and the principle of transformative use.

Cite this article: Mohammadi, N.; Hoseinzadeh, J. & Mirshekari, A. (2024-2025). Legal challenges of right of publicity in the light of artificial intelligence. *Private Law*.21 (2), 233-251. <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.375689.1007292>



© The Author(s). **Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.375689.1007292>



چالش‌های حقوقی حق جلوت در پرتو هوش مصنوعی

نسترن محمدی^۱ | جواد حسین زاده^{۲*} | عباس میرشکاری^۳

۱. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. رایانامه: n.mohammadi.1371@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. رایانامه: hoseinzadeh@usc.ac.ir

۳. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: mirshकारीabbas1@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

کلیدواژه:

آزادی بیان،

جعل عمیق،

حق بر نسخه دیجیتال،

حق جلوت،

هوش مصنوعی.

هدف: ظهور نرم‌افزارهای مجهز به هوش مصنوعی مولد با توانایی زیادی که در شبیه‌سازی دارند چالش‌های جدیدی برای حوزه‌های مربوط به حقوق شخصیت به‌خصوص حق جلوت ایجاد می‌کند. زیرا، هوش مصنوعی با تولید جعل‌های عمیق به‌آسانی می‌تواند اکثر ویژگی‌های هویتی فرد معروف را بدون مشارکت واقعی ایشان تقلید کند. نگرانی‌های ناشی از ساخت نسخه‌های دیجیتال که با نسخه واقعی افراد غیر قابل تشخیص به نظر می‌رسد تا جایی پیش رفته که سناتورهای امریکایی در سال ۲۰۲۳ لایحه‌ای در خصوص آن تدوین کردند. در نوشتار حاضر، با توجه به کم‌رونقی ادبیات حقوقی کشور در زمینه هوش مصنوعی، نگارندگان از متون قانونی کشور امریکا بهره برده و بنا دارد بعد از روشن شدن ماهیت حق بر کپی دیجیتال به تراحم میان حق جلوت و هوش مصنوعی و شیوه‌های حل آن بپردازد. **روش:** روش تحقیق تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها با مطالعه تطبیقی از مقالات امریکایی انجام شده است. **نتیجه:** پیشنهاد می‌شود اصل کلی بر حمایت از حق جلوت قرار داده شود و به منظور حفظ منافع بزرگ‌تر، همچون آزادی بیان و تشویق به خلاقیت، استثنائاتی برای ترجیح هوش مصنوعی در نظر گرفته شود و در این زمینه سه ضابطه معرفی می‌شود که عبارت‌اند از: ضابطه استفاده منصفانه، استفاده از اطلاعات عمومی، ضابطه استفاده متحولانه.

استناد: محمدی، نسترن؛ حسین‌زاده، جواد و میرشکاری، عباس (۱۴۰۳). چالش‌های حقوقی حق جلوت در پرتو هوش مصنوعی. حقوق خصوصی، ۲۱ (۲) ۲۳۳-۲۵۱. <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.375689.1007292>



مقدمه

هوش مصنوعی جهان جدیدی از فرصت‌ها و تهدیدها به روی مردم گشوده و ابزاری در اختیارشان گذاشته است که می‌توانند با استفاده از آن استعداد‌های هنری خود را کشف کنند و از سوی دیگر با ایجاد کپی‌های دیجیتال تقریباً غیر قابل تشخیص از صدا یا شباهت بصری اشخاص معروف سوءاستفاده کنند. مثلاً، یک ناشناس با بهره‌گیری از هوش مصنوعی آهنگی را به سبک دو خواننده معروف در فضای مجازی بارگذاری کرد که در روزهای نخست بیش از ده میلیون بازدید در پلتفرم‌های مختلف داشت. مخاطبان تصور می‌کردند با اثر هنری جدیدی از خوانندگان محبوبشان مواجه هستند؛ درحالی‌که آن قطعه موسیقی عملاً یک تقلید حرفه‌ای و بدون مشارکت واقعی آن هنرمندان بود و در نهایت با پیگیری شرکت موسیقی پخش‌کننده آثار آن‌ها قطعه تقلبی از روی سایت‌ها برداشته شد.^۱ چندی پیش تام هنکس نیز اعلام کرد که حضور او در ویدئوی تبلیغاتی دندانی‌شکی بدون اجازه از او و با استفاده از هوش مصنوعی بوده و معرفی انجام‌شده مورد تأیید نیست.^۲ به این ترتیب، اگر در گذشته سوءاستفاده از شهرت دیگری غالباً توسط شرکت‌های تجاری انجام می‌شد، اکنون هر کسی با بهره از هوش مصنوعی می‌تواند بدون زحمت به هویت افراد دست پیدا کند و آن را به سهولت تکرار کند. زیرا هوش مصنوعی با تولید جعل‌های عمیق^۳ می‌تواند به راحتی برخی یا همه ویژگی‌های هویتی یک فرد را تقلید کند. نگرانی‌های ناشی از به‌کارگیری هوش مصنوعی در شبیه‌سازی همه صنایع هنری اعم از موسیقی، بازیگری، نقاشی، و نویسندگی را دربرمی‌گیرد و از این حیث توجه بسیاری از مردم و سیاستمداران را به خود جلب کرده است. درحالی‌که رعایت قوانین کپی‌رایت در آموزش‌های هوش مصنوعی مورد تأکید قرار می‌گیرد، نگرانی‌های جدی در خصوص سوءاستفاده از هویت دیگران وجود دارد. به این ترتیب، نظام‌های حقوقی مختلف دنیا از جمله آمریکا بر آن شدند تا به‌رغم وجود قوانین مختلف مربوط به ممنوعیت نقض حق جلوت اقدام به تدوین مقرراتی تازه کنند که منطبق با شرایط کنونی باشد. بنابراین به نظر می‌رسد بررسی لایحه مجلس سنای آمریکا که در تاریخ ۱۲ اکتبر سال ۲۰۲۳ به تصویب رسیده است و با نام محافظت از تصویر، صدا، و شباهت بصری فرد در برابر هوش مصنوعی^۴ یا قانون No Fake شناخته می‌شود برای نظام حقوقی کشور که در زمینه حق جلوت و هوش مصنوعی هنوز نوپاست مفید باشد.

در نوشتار پیش رو تلاش می‌شود، بعد از تبیین مفهوم هوش مصنوعی، ماهیت حق بر نسخه دیجیتال و رابطه‌اش با حق جلوت بررسی شود و سپس با معرفی آن به عنوان نوعی حق جلوت به موضوع امکان تراحم میان هوش مصنوعی و حق جلوت پرداخته و در ادامه به منظور حل آن سه رویکرد پیشنهاد می‌شود.

مفهوم هوش مصنوعی

هوش مصنوعی ریشه در افسانه‌های باستانی دارد، جایی که انسان‌ها از موجودات مصنوعی با هوش و قدرت خارق‌العاده سخن می‌گفتند. اما تاریخچه واقعی آن به نیمه اول قرن بیستم بازمی‌گردد (Nilsson Stanford University, 2013)؛ زمانی که آلن تورینگ^۵، پدر علم کامپیوتر و هوش مصنوعی، پیرو اجرایی کردن پیشنهاد خود مبنی بر اینکه ماشین‌ها نیز می‌توانند همچون انسان از عقل برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنند مقاله‌ای با عنوان «ماشین‌های محاسباتی و هوش» در سال ۱۹۵۰ منتشر کرد و به امکان‌سنجی ریاضی آن پرداخت. اما به جهت عدم قابلیت ذخیره و مرور اطلاعات در رایانه‌های نخستین و البته گران بودن هزینه خرید و اجاره آن‌ها ایده نام‌برده اجرایی نشد (Turning, 1950: 435). شش سال بعد در سال ۱۹۵۶ جان مک‌کارتی در کنفرانسی، با موضوع تلاش مشترک برای هوشمندسازی ماشین‌ها، اصطلاح «هوش مصنوعی» (AI) را ابداع کرد و آن را یک حوزه تحقیقاتی میان‌رشته‌ای و به عنوان مهندسی ساخت ماشین‌های هوشمند تعریف کرد (Hamet ; Tremblay, 2017: 37). از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۴ با ارزان شدن رایانه و در دسترس قرار گرفتن آن و البته سرمایه‌گذاری برخی

1. <https://www.reuters.com/technology/google-universal-music-talks-deal-ai-deepfakes-ft-2023-08-08/>.

2. <https://www.independent.co.uk/news>.

3. deep fakes

4. To protect the image, voice, and visual likeness of individuals, and for other purposes, 2023/11/10.

5. Alen Turing

نهادهای دولتی^۱ هوش مصنوعی رشد کرد و امید به شکل‌گیری مهارت تفسیر زبان گفتاری و حل مسئله توسط ماشین‌ها قوت گرفت. اما طولی نکشید که به جهت پایین بودن قدرت محاسباتی رایانه‌ها و ناکامی دولت‌ها در تحقق رؤیاهای خوش‌بینانه از ماشین‌ها حمایت از هوش مصنوعی کم و رشد آن نزولی شد (Hendler, 2008: 3). در سال ۱۹۸۰ محققان با ایجاد تکنیک یادگیری عمیق توسط ماشین‌ها، که به واسطه آن رایانه‌ها می‌توانستند از تجربیات خود یاد بگیرند، مجدداً به رشد هوش مصنوعی کمک کردند (Werbos ; Hohn, 1975: 58; Fukushima, 1980: 193-202). اما شکوفایی هوش مصنوعی را باید در دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ دانست؛ زمانی که اجرای تفسیر زبان گفتاری در ویندوزها میسر شد و هوش مصنوعی تا جایی که هوش انسانی نزدیک شد که قهرمان شطرنج جهان در بازی رایانه‌ای مقابل هوش مصنوعی باخت (Schaeffer & Plaat, 1997: 20-95). از سال ۲۰۱۰ تا به امروز نیز دو فاکتور دسترسی به داده‌های فراوان از طریق سیستم‌های جست‌وجوگر همچون گوگل و قدرت محاسباتی بسیار بالای رایانه‌ها منجر به رشد روزافزون هوش مصنوعی شده است (Claudiu Ciresan et al., 2010: 10); تا جایی که تقریباً در همه بخش‌های مختلف زندگی ما ناخواسته نفوذ کرده و حذف‌شدنی نیست. مثلاً، اپلیکیشن‌های مسیریاب، نرم‌افزارهای تشخیص چهره و اثر انگشت، بانک‌داری آن‌لاین، و خریدهای دیجیتالی که همه روزه از آن‌ها بهره می‌بریم همگی از مصادیق روشن هوش مصنوعی هستند (Hidayat, Satwiko, 2021: 292).

در تعریف هوش مصنوعی گفته می‌شود شاخه‌ای از علم کامپیوتر است که به طراحی سیستم‌های شبیه به هوش انسان می‌پردازد و مهارت‌هایی نظیر درک، یادگیری، استدلال، حل مسئله، و استفاده از زبان دارد (Haosen Qin et al., 2024: 10). در واقع، ماشین‌ها برای حل مسائل پیچیده به کمک هوش مصنوعی ادراک و استدلال انسان را تقلید می‌کنند (Serena H. Chen, et al., 2008: 397-400) و همچون آدمیزاد از مثال‌ها می‌آموزند، از تجربیات گذشته درس می‌گیرند، داده‌های فراوان و حتی ناقص را مدیریت می‌کنند، و پس از آموزش با سرعتی همچون انسان و گاهی بالاتر عملیات پیش‌بینی و تعمیم را انجام می‌دهد (Mellitand ; Kalogiror, 2008: 574-632). بنابراین به‌اختصار می‌توان گفت هوش مصنوعی یک اصطلاح کلی است که به استفاده از رایانه برای مدل‌سازی رفتار هوشمند با حداقل دخالت انسان اشاره دارد (Mary Pa et al., 2024). هوش مصنوعی در علوم مختلف مانند مهندسی، اقتصاد، پزشکی، نظامی، دریایی، و غیره به دلیل قابلیت استدلال، انعطاف‌پذیری در خطا، و توضیح‌پذیری مورد استفاده قرار گرفته است (Confalonieri et al., 2020). هوش مصنوعی بر اساس نوع الگوریتم‌ها و میزان استفاده از داده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود (Shah, 2018; Pramila P. Shinde): نوع اول، یادگیری ماشینی^۲ و نوع دوم، یادگیری عمیق^۳. در نوع اول، از الگوریتم‌های حاوی ساختار ساده که به صورت خطی یا درختی هستند استفاده می‌شود و برای آموزش آن‌ها مداخله انسان به همراه داده‌های اندک ضروری است. مثلاً، موتورهای جست‌وجوگر شرکت‌های گوگل و فیس‌بوک، با استفاده از اطلاعات و صفحاتی که قبلاً آن‌ها را دنبال کرده بودید، به شما پیشنهادهای جدید ارائه می‌دهند. در واقع پیش‌بینی آنچه اکنون به دنبال آن هستید با بهره‌گیری از یادگیری ماشینی انجام می‌شود (Mitchell, 2015; Jordan). در یادگیری عمیق از الگوریتم‌های حاوی ساختار پیچیده و چندلایه که به صورت شبکه عصبی مصنوعی مغز انسان عمل می‌کنند استفاده می‌شود. مهم‌ترین مزیت این نوع هوش مصنوعی قابلیت خودیادگیری یا به عبارت دیگر مهندسی داده‌ها بدون مداخله انسان است (Pierson, 2017: 821-35). اما برای آن به داده‌های بسیار بیشتری از یادگیری ماشینی احتیاج است. مثلاً، اگر برای یادگیری ماشینی به هزار داده نیاز داریم، برای یادگیری عمیق باید میلیون‌ها داده وارد کنیم. چت‌بات‌هایی مثل ChatGPT پاسخگوی سؤالات متنوع کاربران است یا خودروهای خودران از مصادیق بارز استفاده از یادگیری عمیق هستند (Devlin et al., 2019). به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند به صورت بالقوه تهدیدی برای نقض حق جلوت شناخته شود هوش مصنوعی مولد^۴ است که در واقع زیرمجموعه یادگیری عمیق است. زیرا، هوش مصنوعی مولد با هدف تولید خروجی‌های جدید و خلاقانه بر اساس داده‌های آموزشی محتویاتی مانند متن، صوت، یا ویدئو ایجاد می‌کند (Karaarslan, 2023: 118-134; omer). به بیان دیگر، هوش

۱. مثلاً DARP (سازمان پروژه‌های پژوهشی پیشرفته دفاعی آمریکا)

2. machine learning

3. deep learning

4. generative artificial intelligence

مصنوعی مولد قادر است در پاسخ به درخواست کاربر با استفاده از داده‌های آموزشی محتویات جدید و اصیل تولید کند (Aydin ; 2023) که پیش از این تصور می‌شد انجام دادن آن فقط با نبوغ و خلاقیت انسانی ممکن است (Mazzone ; 2020). اگر بزرگ‌ترین امتیاز هوش مصنوعی مولد را در کاربری ساده و پاسخ‌دهی سریع و کامل آن بدانیم، بزرگ‌ترین تهدید نیز همان خواهد بود (Collins; Aengus, 2019). زیرا هر کسی بدون آنکه حتی کدنویسی بلدان می‌تواند به کمک این ابزار با ساخت جعل عمیق به کپی از هویت چهره‌های معروف پردازد و در سطح گسترده آن را پخش کند. اینجاست که باید پرسید آیا لازم است همچنان به حمایت از هوش مصنوعی پرداخت یا نوبت آن است که از حق جلوت پاسداری کرد؟

مفهوم حق بر نسخه دیجیتال

سال‌ها پیش، نظام‌های حقوقی مختلف دنیا، از جمله امریکا، مالکیت افراد بر نشانه‌های هویتی‌شان را تحت عنوان حق جلوت به رسمیت شناختند.^۱ اما امروزه موضوع ساخت نسخه‌های دیجیتالی یا همان ماکت‌هایی که با بهره از دیپ فیک‌ها صداها و تصاویر افراد را دقیقاً شبیه‌سازی می‌کند قانون‌گذاران را بر آن داشت تا با وضع مقررات تازه پاسخگوی چالش‌های پیش رو باشند. یکی از این قوانین که در مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود لایحه قانون No Fakes است که شرایط و ضوابط استفاده از نسخه دیجیتال افراد را در سطح ایالات متحده امریکا تعیین می‌کند. در ادامه پیش از آنکه در چارچوب قانون یادشده به بررسی حق بر نسخه دیجیتال پرداخته شود، ابتدا مروری بر حق جلوت خواهد شد تا از طریق مقایسه زمینه‌شناسایی ماهیت آن فراهم شود. جلوت که ریشه‌اش به حق حریم خصوصی بازمی‌گردد (MCCARTHY, 2005: 10) به عنوان یک حق مالکیت توصیف شده که افراد بر نشانه‌های هویتی‌شان دارند و به موجب آن می‌توانند مانع بهره‌برداری تجاری غیر مجاز دیگران از آن بشوند (Gradpre, 2001: 80). مصادیق نشانه‌های یادشده به موجب مقررات ایالت‌های مختلف متفاوت است و به‌رغم تردیدهایی که در خصوص صدا وجود دارد تصویر و نام از موارد مشترک میان همه ایالت‌هایی هستند که حق جلوت را به رسمیت شناخته‌اند (Bergmann, 1999: 480). حق جلوت که امروزه تردیدی در مالی بودن آن وجود ندارد از حقوقی است که به ارث می‌رسد (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۲)؛ منتها در خصوص مدت زمان اعتبار آن بعد از فوت و لزوم شرط بهره‌برداری تجاری از آن در زمان حیات در ایالت‌های مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد (Bartholomew, 2017: 6-7; Grady, 1994: 125). مثلاً، در ایالت کالیفرنیا که به واسطه هالیوود بیشترین حمایت از حق جلوت در آن انجام می‌شود، مدت اعتبار آن ۷۰ سال^۲ و در ایالت ویرجینا ۲۰ سال^۳ در نظر گرفته شده است. نکته مهم بعدی توجه به شرایط نقض حق جلوت است و آن اینکه خواننده از هویت خواهان استفاده تجاری کرده باشد (Grandpre, 2001: 80). به این ترتیب، اگر استفاده از هویت دیگری با هدف غیر تجاری باشد، استفاده یادشده به جهت حمایت از اصل آزادی بیان از موارد نقض حق جلوت نخواهد بود. حال که مختصری از قواعد مربوط به حق جلوت ارائه شد، نوبت آن رسیده تا ماهیت حق بر نسخه دیجیتال و رابطه‌اش با حق جلوت بررسی شود.

نسخه دیجیتال به موجب بند A لایحه قانون No Fakes به نسخه الکترونیکی ایجادشده توسط رایانه از تصویر، صدا، یا شباهت بصری فرد گفته می‌شود که حاوی دو شرط باشد: اول اینکه شباهت ایجادشده توسط رایانه با نسخه واقعی آن فرد تقریباً غیرقابل تشخیص باشد و دوم اینکه در تولید آن نسخه دیجیتال واقعاً از خود آن فرد استفاده نشده باشد (Curren, 2023: 157). به بیان ساده‌تر، نسخه دیجیتال به شباهت غیر قابل تشخیص میان نسخه ساختگی ایجادشده توسط رایانه و نسخه واقعی افراد می‌پردازد. بنابراین همان‌طور که روشن است موضوع حق بر نسخه دیجیتال همان بهره‌برداری از نشانه‌های هویتی دیگری است که در حق جلوت آمده؛ اما این بار میزان شباهت به اندازه‌ای که برای عموم یادآور آن فرد معروف باشد کافی نبوده! (Sheff, 2019: 42)؛ بلکه فراتر از آن باید به اندازه‌ای باشد که ساختگی بودن آن برای عموم تقریباً غیر قابل تشخیص تلقی شود.^۴ از

1. Haelan Laboratories, Inc. v. Topps Chewing Gum, 1953.

2. California Civil Code §3344.1 (2022).

3. Virginia Code § 8.01-40 (2022).

4. Digital Human Rendering, DIGIT. DOMAIN, <https://digitaldomain.com/technology/real-time-digital-human-rendering/> [https://perma.cc/MPD9-KZ5K].

سوی دیگر، با مراجعه به تعریف نسخه دیجیتال سیطره حق یادشده بر همه نشانه‌های هویتی اعم از صدا و تصویر ملاحظه می‌شود و محدودیت‌های ناظر بر صدا که در حق جلوت برخی ایالت‌ها وجود داشت اینجا مشاهده نمی‌شود (Rockwell, 2024: 12). مثلاً، آهنگی که به واسطه جعل عمیق از خواننده‌های معروف ساخته و در سایت‌های معتبر موسیقی پخش شده بود، به استناد قانون کپی‌رایت که به واسطه استفاده از علامت تهیه‌کننده اختصاصی آثار آن‌ها نقض شده بود از سایت‌های نام‌برده جمع‌آوری شد،^۱ نه به استناد نقض حق جلوت که در برخی ایالت‌ها اساساً شناسایی نشده بود^۲ و در برخی دیگر به‌رغم شناسایی آن را مشتمل بر صدا نمی‌دانستند،^۳ به این ترتیب، بخت با خوانندگان یار بود. زیرا اگر در پخش آهنگ جعلی از آن علامت مخصوص استفاده نشده بود امکان حذف آن از همه سایت‌ها با وضعیت قوانین فعلی ممکن نبود (Mohammed, 2024: 229). بنابراین همان‌طور که روشن است یکی از شیوه‌های حمایتی از صنعت موسیقی در برابر دیپ فیک‌ها این است که حق بر نسخه دیجیتال شناسایی شود. ماهیت حق یادشده به موجب بند دوم از بخش b قانون نام‌برده یک حق مالی قابل انتقال توصیف شده که به مدت ۷۰ سال بعد از فوت فرد، ولو در صورت عدم استفاده ایشان در زمان حیات، باقی می‌ماند (Jones, 2023: 7). به این ترتیب، تجربه بحث‌های طولانی مدت در خصوص شرایط و مدت زمان انتقال قهری حق جلوت در اینجا استفاده شده و رویکردی هم‌سو با ایالت کالیفرنیا اتخاذ شده است. نکته مهم بعدی که می‌توان از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین تمایزهای میان حق بر نسخه دیجیتال و حق جلوت یاد کرد این است که به موجب قانون یادشده نقض حق بر نسخه دیجیتال منوط به استفاده تجاری خواننده از آن نشده است. بنابراین، هر گونه بهره‌برداری از ماکت دیجیتالی افراد مسئولیت فرد استفاده‌کننده را در پی خواهد داشت (Varantsou, 2024: 3)؛ درحالی‌که از جمله شرایط نقض حق جلوت این بود که استفاده از هویت خواهان جهت امور تجاری و تبلیغاتی باشد (Grandpre, 2001: 80). به گمان نگارندگان، رویکرد جدید قانون‌گذار در خصوص برداشتن شرط استفاده تجاری که با هدف تقویت حقوق فردی افراد و مقابله با خطرات ناشی از دیپ فیک‌ها انجام شده اقدامی مثبت است و در عین حال به جهت شناسایی استثنائاتی همچون بیان اخبار، ساخت مستند و آثار تاریخی، و مواردی از این دست که در ادامه مقاله به طور مفصل به آن پرداخته می‌شود محل اصل آزادی بیان نیز نخواهد بود.

حال بعد از آشنایی با حق بر نسخه دیجیتال نوبت آن رسیده تا در خصوص ماهیت آن به عنوان حقی مستقل یا مصداقی از حق جلوت تصمیم‌گیری شود. بنابراین در ادامه جهت سهولت در انتخاب ماهیت وجوه افتراق و اشتراک حقوق یادشده مرور می‌شود. به نظر می‌رسد، تفاوت نخست در خصوص میزان شباهت است؛ با این توضیح که در حق جلوت شباهت به اندازه‌ای که برای مخاطبان یادآور هویت فرد معروف باشد کافی است. اما در دیگری شباهت میان نسخه فیک و واقعی باید به اندازه‌ای باشد که تمایز آن‌ها از یک‌دیگر دشوار به نظر برسد. تفاوت دوم ناظر بر لزوم استفاده تجاری است؛ بدین صورت که برای نقض حق جلوت باید خواننده از هویت خواهان استفاده تجاری کرده باشد، درحالی‌که در نسخه دیجیتال شرط یادشده وجود ندارد و صرف استفاده از هویت خواهان ولو بدون استفاده تجاری مسئولیت خواننده را در پی دارد. اما اولین شباهت آن‌ها این است که هر دو از اقسام حقوق مالی شناخته می‌شوند و به واسطه این ویژگی در زمان حیات قابل نقل هستند و بعد از فوت نیز به ارث می‌رسند. از سوی دیگر، هر دو حقوق هدفشان حفاظت از ارزش اقتصادی هویت افراد است. به همین خاطر استفاده بی‌اذن از هویت دیگری توسط آن‌ها محکوم می‌شود. منتها هر دو با هدف حفظ اصولی مهم، همچون آزادی بیان، در مواردی که استفاده به نحو کم یا تصادفی باشد یا به منظور تبادل اطلاعات انجام شود حاوی استثنائاتی هستند.

با توجه به مراتب یادشده به نظر می‌رسد پیوند میان حقوق بیان‌شده به اندازه‌ای عمیق است که می‌توان گفت حق بر نسخه دیجیتال به عنوان حقی که دولت‌ها تحت تأثیر فناوری جدید هوش مصنوعی ناگزیر به شناسایی آن بودند ریشه در حق قدیمی‌تر جلوت دارد و به عنوان یکی از مصادیق پیشرفته حق جلوت، همچون حق بر صدا، قابل شناسایی است. مؤید صحت باور یادشده

1. Rachel Reed, AI Created a Song Mimicking the Work of Drake and The Weeknd. What Does that Mean for Copyright Law?, HARV. L. TODAY (May 2, 2023).

2. Alaska, Colorado

3. Massachusetts General Laws ch. 214 § 3a (2022); Utah Code § 45-3-3 (2022).

شبهات زیاد میان لایحه قانونی No Fakes با قانون حق جلوت ایالت کالیفرنیاست که در خصوص موضوعاتی از قبیل دلالت بر صدا، مدت زمان اعتبار آن بعد از فوت و همچنین مصادیق استثنایی حاوی مشترکات متعددی هستند (Curren, 2023: 168).

تزام حق جلوت با دسترسی به هوش مصنوعی

همان‌طور که گفته شد، هوش مصنوعی مولد می‌تواند با بررسی و جمع‌آوری داده‌ها در سریع‌ترین زمان به نشانه‌های هویتی افراد معروف دست پیدا کند و آن را تکرار کند. این قابلیت به خودی خود منفی نیست و می‌تواند در مواردی مفید هم باشد؛ مثلاً، به افزایش کیفیت جلوه‌های بصری نمایش کمک کند، امکان جوان یا پیر ساختن چهره بازیگران در فیلم‌ها را فراهم کند، یا حتی با تکرار نسخه دیجیتال بازیگرانی که در اثنای تولید فیلم فوت کرده‌اند امکان ادامه فیلمبرداری را میسر سازد، نیز برای اهداف آموزشی مدارس همچون ساخت مستندات تاریخی استفاده شود (Shtefan, 2024: 10). با این حال قابلیت یادشده می‌تواند مضرات فراوانی داشته باشد که ساخت اخبار جعلی یکی از آنهاست. شاید بتوان گفت جریان ساخت اخبار جعلی و تصاویر ساختگی از سیاستمداران و دیگر افراد مشهور از سال ۲۰۱۸ به طور جدی شروع شده است (Gerstner, 2020: 5)؛ درست همان زمانی که برنامه‌های نرم‌افزاری مبتنی بر هوش مصنوعی که FakeApp یکی از محبوب‌ترین آنها بود به صورت آنلاین و البته رایگان در دسترس عموم قرار گرفت و کاربران می‌توانستند با استفاده از آن به راحتی و با فشار دادن یک دکمه اقدام به ساخت تصاویر یا فیلم‌های جعلی از افراد معروف کنند و کاری که پیش‌تر در بخش جلوه‌های ویژه و با صرف هزینه و وقت بسیار در استودیوهای بزرگ سینمایی انجام می‌شد اکنون در زمانی کوتاه با داشتن یک ویدئوی پایه و تعدادی تصویر منبع از چهره آن بازیگر توسط عموم مخاطبان امکان‌پذیر شد. مثلاً، ویدئوهایی از نیکولاس کیج در فیلم‌های مختلف هالیوودی منتشر شد که او واقعاً در آنها نقش‌آفرینی نکرده بود؛ بلکه تصویر او توسط کاربران اینترنتی با استفاده از هوش مصنوعی روی چهره بازیگران اصلی این صحنه‌ها قرار گرفته بود^۱ یا در یک ویدئوی جعلی که از رئیس‌جمهور پیشین امریکا، آقای اوباما، پخش شد کلماتی با صدای او ادا می‌شد که برای شنونده توهین‌آمیز بود (Gerstner, 2020: 10). از سوی دیگر، شرکت‌های بزرگ فیلم‌سازی همچون نت فلیکس و دیزنی در حال استخدام مهندسان هوش مصنوعی هستند تا امکان استفاده از نسخه‌های دیجیتالی بازیگران جهت تأمین منافع شرکت سازنده فیلم تأمین شود^۲ و در برخی موارد گزارش شده که بازیگران بعد از قبول شرایط شرکت مربوط به استفاده از کپی‌های دیجیتالی در آینده و عدم امکان مطالبه غرامت با دریافت دستمزد تنها یک روز کاری به خانه فرستاده شده‌اند!^۳ گرچه استفاده از کپی‌های یادشده منوط به توافق قبلی میان شرکت سازنده و بازیگر است، باید توجه داشت برای هنرمندان نسبتاً ناشناخته که به‌تازگی پیشنهاد بازی در فیلم را دریافت کرده‌اند هر گونه توافق به علت قدرت چانه‌زنی به نفع شرکت‌ها خواهد بود.

به این ترتیب، باید گفت با ظهور هوش مصنوعی مولد احتمال تکرار استفاده از شخصیت افراد مشهور و هنر آن‌ها به شدت افزایش یافته است و عدم حمایت شایسته از حق جلوت می‌تواند آسیب اقتصادی جدی به درآمد آن‌ها وارد کند. زیرا استفاده از نشانه‌های هویتی فرد معروف صرفاً شهرت یک هنرمند را تصاحب نمی‌کند، بلکه، در واقع فعالیتی را که به واسطه آن هنرمند شهرت خود را به دست آورده نیز در اختیار می‌گیرد.

نگرانی‌های ناشی از عدم امنیت شغلی در صنایع هنری و ادبی تا آنجا پیش رفته که منجر به اعتصابی بی‌سابقه توسط انجمن نویسندگان و بازیگران هالیوودی در ماه می ۲۰۲۳ شده و طی آن افراد زیادی خواستار تضمین وضع قوانین سختگیرانه درباره استفاده از هوش مصنوعی شدند.^۴ باید توجه داشت که خسارات ناشی از نقض جلوت به واسطه هوش مصنوعی محدود به کاهش درآمد و زیان اقتصادی نمی‌شود، بلکه می‌تواند به آبرو و حیثیت افراد نیز لطمه جبران‌ناپذیر وارد کند (Dodge, Spencer, 2017: 657). مثلاً، هنرمند معروف، تیلور سوئیفت، یکی از قربانیانی است که از تصویرش بر فیلم‌های پورن استفاده شد و پیش

1. <https://www.dailydot.com/unlick/nicolas-cage-memes-deepfakes-2018>.

2. <https://www.theguardian.com/technology, 2023>.

3. <https://perma.cc/5CJ4-SM98>

4. <https://www.nbcnews.com, 2023>.

از حذف آن از سایت‌ها میلیون‌ها بار توسط مخاطبان دیده شد و جنجالی به پا کرد که سیاست‌مداران امریکایی را به فکر جرم‌انگاری تولید و پخش جعل عمیق یا دیپ فیک انداخت.^۱

دیدگاه‌های حل تراحم میان حق جلوت و دسترسی به هوش مصنوعی

همان‌طور که بررسی شد با ظهور فناوری‌های مجهز به هوش مصنوعی احتمال نقض حق جلوت به واسطه ایجاد تصاویر یا صداهای جعلی بسیار بیشتر از قبل شده و همین امر لزوم وضع مقررات به منظور ایجاد تعادل میان حمایت از شخصیت افراد و از سوی دیگر نوآوری حاصل از هوش مصنوعی را ایجاب می‌کند؛ بنابراین در ادامه برای حل تراحم میان حق جلوت و هوش مصنوعی سه دیدگاه ارائه می‌شود.

دیدگاه قائل به ترجیح حق جلوت

جهت تأیید این دیدگاه که قائل به ترجیح حق جلوت بر هوش مصنوعی است می‌توان به مبانی شناسایی حق جلوت استناد کرد که حفظ و تقویت ارزش اقتصادی مستتر در حق یادشده یکی از مهم‌ترین آن مبانی است (Grady, 1992: 105) و در خصوص آن برخی گفته‌اند که بیشترین دارایی پرسود یک ستاره نه مهارت یا استعداد او بلکه تصویر یا نشانه‌های هویتی اوست؛ زیرا سلبریتی‌ها مبالغ قابل توجهی از فروش نام، تصویر، یا شباهت خود به دست می‌آورند که گاهی حتی از درآمد آن‌ها از محل فعالیت اصلی‌شان (سینما، ورزش، و...) نیز فراتر می‌رود (Jones, 1979: 12). البته باید در نظر داشت احترام به ارزش اقتصادی جلوت نه به نیت مال‌اندوزی افراد معروف بلکه به جهت احترام به ثمره کار و تلاش انسان‌هاست. زیرا، همان‌طور که افراد مالک کار و ثروت حاصل از تلاش خویش‌اند، مالک شهرت خود نیز هستند (Locke, 2016: 28). از سوی دیگر، شناسایی جلوت از دارا شدن ناعادلانه اشخاص سوءاستفاده‌گر نیز جلوگیری می‌کند^۲ و با این کار انگیزه اقتصادی برای سایر افراد جامعه ایجاد می‌کند تا از طریق انجام دادن فعالیت‌های مورد علاقه عموم به شهرت برسند (میرشکاری، ۱۳۹۹: ۳۴۹).^۳ همچنین، حمایت از حق جلوت منجر به تشویق سرمایه‌گذاری در ساخت چهره‌های معروف و حمایت از شخصیت افراد نیز می‌شود (Bartholomew, 2011: 4, 6). مثلاً، تصور کنید فرد با استعدادی که بضاعت مالی کافی برای پرورش توانایی‌اش ندارد توسط گروهی که به لحاظ مالی توانمند هستند با انگیزه اینکه در آینده از شهرت او بهره ببرند حمایت می‌شود. از منظر جامعه‌شناختی نیز موضوع جلوت اهمیت فراوان دارد. زیرا، افراد مشهور به‌آسانی می‌توانند به عنوان اشیاء یا نمادهای متحدکننده در جوامع مختلف عمل کنند و میان دو گروه از کسانی که به آن مفاهیم اخلاقی یا اجتماعی اعتقاد دارند و کسانی که بدون هیچ‌گونه اعتقادی صرفاً به آن عمل می‌کنند تعامل مناسب برقرار کنند (Barron, 2018: 42). همچنین، شناسایی حق جلوت هم‌سو با قوانین مربوط به ثبت اختراع، علائم تجاری، و کپی‌رایت در حوزه آفرینش آثار هنری بسیار تأثیرگذار خواهد بود. زیرا مشوق خوبی برای انگیزه‌های بزرگ هنری و آزادی خلاقیت است؛ چه اینکه افراد با اطمینان از حمایت قانون‌گذار و با خیالی آسوده از گزند اشخاص سوءاستفاده‌گر در کار خود تمرکز می‌کنند (Greene, 2008: 521). ضمناً همان‌طور که پیش‌تر بررسی شد استفاده از نسخه‌های دیجیتالی می‌تواند به واسطه حذف مشاغل همچون بازیگری تبعات اقتصادی سنگینی به جامعه تحمیل کند و به نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین راه‌های اجتناب از آن حمایت بیشتر از حق جلوت باشد. زیرا، حق یادشده می‌تواند با محدود کردن استفاده از نشانه‌های هویتی دیگر از بازیگران در برابر تهدیدات قابل توجهی که کپی‌های دیجیتالی ایجاد می‌کند محافظت کند (Curren, 2024: 157).

باید اظهار داشت گرچه در نظام حقوقی ایران حق جلوت به طور رسمی شناسایی نشده است، می‌توان به استناد اصول اساسی و قوانین مختلف ممنوعیت بهره‌برداری از شهرت دیگری را احراز کرد. مثلاً، آنجا که در اصل ۴۶ قانون اساسی گفته می‌شود هر کس مالک حاصل کسب‌وکار خویش است می‌توان چنین برداشت کرد که شهرت افراد به عنوان ثمره کارشان توسط قانون محترم شناخته شده و کسی نمی‌تواند آن را از ایشان سلب کند. در همین زمینه، مواد ۱ و ۸ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارند

1. <https://www.theguardian.com/technology>, 2024.

2. *Lugosi v. Universal Pictures*, 603 P.2d 425 (Cal. 1979). California Supreme Court.

3. *Mazer v. Stein*, 347 U.S. 201, 219 (1954).

چنانچه شخصی به شهرت تجاری دیگری زیان وارد کند یا در اثر انتشار مطالب غیر واقع به اعتبار فرد لطمه بزند مسئول جبران خسارت خواهد بود که موضوع ممنوعیت بهره‌برداری از نشانه‌های هویتی دیگری از آن قابل برداشت است. در مفهومی مشابه، ماده ۷ قانون حمایت از مصرف‌کننده نیز تبلیغات خلاف واقع را که موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده شود ممنوع می‌داند. به این ترتیب، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مواد قانونی مختلف بر ممنوعیت استفاده از جلوت دیگری دلالت دارند و در میان آن‌ها تفاوت حکمی از این حیث که شیوه نقض با بهره از هوش مصنوعی باشد یا خیر وجود ندارد!

دیدگاه قائل به ترجیح دسترسی به هوش مصنوعی

دیدگاه دوم برعکس دیدگاه قبل بر این باور است که فواید حمایت از هوش مصنوعی بیشتر از حق جلوت است و در دوران انتخاب میان آن‌ها باید جانب هوش مصنوعی را گرفت. مثلاً، یکی از مهم‌ترین مزایای هوش مصنوعی این است که به تأمین بهتر اصل آزادی بیان کمک می‌کند. زیرا، به باور دیوان عالی امریکا که قائل بر لزوم گسترش معنای «بیان» در عصر کنونی است بیان هر چیزی را که بتوان به وسیله آن پیام یا ایده‌ای را منتقل کرد دربرمی‌گیرد و متعاقباً هر چیزی که داخل در این تعریف باشد مشمول آزادی بیان قرار خواهد گرفت.^۱ بنابراین سیستم‌های مجهز به هوش مصنوعی نیز یکی از شیوه‌های ابراز «بیان» است و حمایت از آن به افراد کمک می‌کند تا بتوانند عقاید و نظراتشان را بدون ترس از سانسور و در سطح وسیع ابراز کنند؛ درحالی‌که اگر از حق جلوت حمایت شود، به دلیل محدودیت‌هایی که در استفاده از هویت اشخاص ایجاد می‌شود، به تبع آزادی بیان محدود و منجر به ترویج سانسور می‌شود (Greene, 2008: 525). از سوی دیگر، هوش مصنوعی با ارائه ابزارهای جدید به افراد کمک می‌کند تا بتوانند با روش‌های نوین و خلاقانه به تولید محتوا و ترویج دانش بپردازند. بدین ترتیب از طریق کشف و تقویت استعدادها شرایط تبدیل شدن افراد معمولی به چهره‌های شناخته‌شده که ارزش اقتصادی جلوتشان بیش‌تر است شناسا فراهم می‌سازد (Goldsmith & Wu, 2006: 10). باید توجه داشت که پافشاری بر حمایت از حق اشخاص مشهور در بهره‌برداری تجاری از هویتشان، به واسطه محدود کردن هوش مصنوعی، سبب سانسور در انتشار اطلاعات و به نوعی تحدید آزادی بیان می‌شود و در عین حال می‌تواند فرصت‌های جدیدی را که به واسطه بهره‌مندی از هوش مصنوعی امکان ظهور و بروز داشتند کمرنگ سازد. از سوی دیگر، در پاسخ به نقد آسیب‌های ناشی از هوش مصنوعی به حذف برخی مشاغل، همچون بازیگری، باید گفت اساساً فناوری از بدو پیدایش تاکنون در حال جایگزینی مشاغل انسانی است و نمی‌توان به بهانه آن مسیر پیشرفت جهانی را متوقف کرد! درباره اهمیت هوش مصنوعی باید اضافه کرد در سال ۱۴۰۱ که بحث در خصوص هوش مصنوعی و چالش‌های آن در ایران نیز شدت گرفت شورای عالی فضای مجازی سندی به نام سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فضای مجازی تصویب و منتشر کرد که مطابق آن طراحی نظام حقوقی فضای مجازی به معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و طراحی نظام قضایی فضای مجازی به رئیس قوه قضاییه و طراحی نظام به‌کارگیری فناوری‌های نوین فضای مجازی از جمله هوش مصنوعی و علوم داده بر عهده معاونت علمی، فناوری، و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری قرار گرفت. از آن پس در قوانین جدیدالتصویب هوش مصنوعی به طور محدود مورد توجه قرار گرفت.

در بند «الف» ماده ۱۱۳ قانون برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی چنین مقرر شده است: «به منظور تسهیل رسیدگی به پرونده‌های قضایی و رفع اختلافات مردم قوه قضاییه و وزارت دادگستری با رعایت قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی حسب مورد مکلف به انجام اقدامات زیر هستند: الف) تا پایان سال دوم برنامه امکان انجام اموری از قبیل ارجاع پرونده، تعیین وقت، و انتخاب کارشناس را با استفاده از فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی برای کمک به قاضی با حفظ مسئولیت شخص قاضی فراهم نمایند. آیین‌نامه اجرایی این بند در چهارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی فضای مجازی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد». همچنین، در بند «ج» ماده ۶۵ قانون یادشده آمده است: «دولت مکلف است در راستای حمایت از توسعه زیست‌بوم تحول‌آفرین هوش مصنوعی قابل اعتماد و پایدار و به منظور تعیین چهارچوب‌ها و سازوکار تعامل تمامی ذی‌نفعان، فراهم نمودن دانش و زیرساخت‌های دانش فنی، اجتماعی، اخلاقی، و حقوقی، ترویج و افزایش آگاهی در مورد

1. brown v. entertainment merchants association (2011).

کارکردهای هوش مصنوعی در زمینه‌های مختلف و خطرات بالقوه آن حداکثر ظرف شش ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون نسبت به اجرای برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی با رعایت سیاست‌های کلی نظام مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی اقدام قانونی به عمل آورد.^۱ در تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به نام سند ملی هوش مصنوعی جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شد. این سند به بیان اصول و مبانی ارزشی، چشم‌انداز، اهداف کلان و شاخص‌های ارزیابی، سیاست‌های راهبردی، راهبردها و اقدامات ملی، و اولویت‌های ملی به‌کارگیری هوش مصنوعی پرداخته است که در زمینه حقوقی و قضایی تنقیح قوانین و مقررات در اولویت قرار گرفته است. (میرشکاری و دیگران، ۱۴۰۳: ۵)

به‌رغم اهمیت هوش مصنوعی در نظام‌های حقوقی آمریکا و ایران نقدی که به دیدگاه حاضر وارد بوده این است که هوش مصنوعی در قالب دو چهره می‌تواند گاهی به نفع و گاهی به ضرر آزادی بیان باشد! به عبارت دیگر، هوش مصنوعی به‌رغم تأثیر مثبتی که بر آزادی بیان می‌گذارد و از مهم‌ترین آن‌ها ترویج گفت‌وگوی آزاد با ابزاری نوین و افزایش دسترسی عموم به اطلاعات است، خودش می‌تواند مانعی برای آزادی بیان محسوب شود. چه اینکه پیچیدگی‌های ذاتی هوش مصنوعی در فرایند تصمیم‌گیری احتمال فیلتر و سانسور پنهان را تشدید می‌کند (Council of Europe, 2018: 50). مثلاً تصور کنید از نشانه‌های هویتی فرد معروف به منظور تبادل اطلاعات عمومی یا بیان نقد اجتماعی استفاده شود. در چنین شرایطی، الگوریتم‌ها بدون توجه به قانونی بودن استفاده از هویت دیگری با هدف مقاصد یادشده که درک آن غالباً به ذکاوت و هوش انسانی نیاز دارد و در ادامه به توضیح آن استثنائات پرداخته می‌شود بسیاری از مطالب مفید را بدون اینکه کاربران چرایی آن را بدانند محدود یا به کلی مسدود می‌کند (Noble, 2018: 17). از سوی دیگر، عدم شفافیت الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و ناتوانی حکومت‌ها در نظارت دقیق بر آن‌ها می‌تواند عاملی مهم برای انتشار اطلاعات نادرست باشد (Ananny Rawford, 2016: 15). یکی از مصادیق بارز انتشار اطلاعات نادرست به واسطه بهره از هوش مصنوعی جعل عمیق است که به دستکاری و جایگزینی چهره یا صدای یک فرد در ویدئو می‌پردازد؛ به نحوی که حتی تشخیص نسخه جعلی از اصلی برای متخصصان هم دشوار باشد (Santana, 2022: 118).^۱ مثلاً، در روزهای نخستین جنگ میان روسیه و اوکراین ویدئویی از رئیس‌جمهور اوکراین با مضمون تسلیم ارتش کشورش در سطح گسترده پخش شد که صحت آن توسط دفتر ریاست‌جمهوری رد شد و این مورد اولین نمونه استفاده از جعل عمیق در یک درگیری مسلحانه بود.^۲ نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که در سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی انتخاب و انتشار اطلاعات ممکن است با اولویت‌هایی انجام شود که با آزادی بیان در تضاد باشد (Human Rights Committee, 2011: 10). مثلاً، هوش مصنوعی با عدم تشخیص صدا یا تصویری که به واسطه جعل عمیق شبیه به نسخه اصلی شده است نسخه جعلی را در صدر اطلاعات پیشنهادی به مخاطبان ارائه می‌کند. به این ترتیب، از یک طرف هوش مصنوعی با جعل عمیق به انتشار اطلاعات نادرست کمک می‌کند و از سوی دیگر آن اطلاعات جعلی را در اولویت خبری سامانه‌های جست‌وجوگر همچون گوگل قرار می‌دهد. بنابراین با توجه به مراتب بیان‌شده به نظر می‌رسد طرح دیدگاه سوم به منظور بهره‌مندی بیشتر از جنبه‌های مثبت هوش مصنوعی لازم باشد.

دیدگاه میانه

به نظر می‌رسد احترام به حق جلوت افراد و در عین حال رفع نگرانی‌ها در خصوص رعایت اصل آزادی بیان در هیچ‌یک از دو دیدگاه بیان‌شده به‌تنهایی تأمین نمی‌شود و باید به دنبال راه میانه بود تا تعادل به نحوی شایسته میان حق جلوت و هوش مصنوعی برقرار شود. بنابراین با توجه به مزایای اقتصادی و اجتماعی شناسایی حق جلوت که در دیدگاه اول به آن اشاره شد و نقدی که جهت قانونمند کردن استفاده از هوش مصنوعی در دیدگاه دوم مطرح شد پیشنهاد می‌شود اصل کلی بر حمایت از حق جلوت قرار گیرد و به منظور حفظ منافع بزرگ‌تر همچون آزادی بیان و تشویق به خلاقیت استثنائاتی برای آن در نظر گرفته شود.

1. https://buffett.northwestern.edu/documents/buffett-brief_the-rise-of-ai-and-deepfake-technology.pdf.

2. www.news.sky.com.

از سوی دیگر، اگرچه برای شناسایی حق جلوت در نظام حقوقی کشور مقررات خاصی تدوین نشده است، تعدی به آن به واسطه قواعد عام مسئولیت مدنی همچون لاضرر و دارا شدن بلاجهت ممنوع است و منجر به مسئولیت قانونی برای شخص ناقص می‌شود (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۴۵). همچنین باید اضافه کرد به موجب ماده ۱ سند راهبردی هوش مصنوعی استفاده مسئولانه از فناوری هوش مصنوعی باید مبتنی بر اصول اخلاقی همچون رعایت حریم خصوصی و حفظ حقوق فردی و اجتماعی باشد و به نظر می‌رسد جلوت نیز می‌تواند یکی از آن حقوق باشد. به این ترتیب، از منظر قانون‌گذار ایران هوش مصنوعی نه یک هدف بلکه ابزاری است برای افزایش کیفیت زندگی و تأمین آرمان‌ها و ارزش‌های مرتبط با انسان و جامعه. بنابراین، بنا نیست برای استفاده از همه ظرفیت‌های آن حقوق اشخاص قربانی شود.

در نظام حقوقی امریکا نیز به موجب لایحه قانون No Fakes همین رویکرد اتخاذ شده و با بیان استثنائات استفاده از هوش مصنوعی اصل کلی بر حمایت از حق جلوت گذاشته شده است. در ادامه به جهت فقدان سابقه قانونی موضوع در حقوق ایران نگارنده سعی می‌کند با تحلیل استثنائات ترجیح هوش مصنوعی در پیش‌نویس یادشده به تسهیل استفاده از آن در نظام حقوقی ایران کمک کند. در بند سوم از بخش C لایحه یادشده می‌خوانیم چنانچه از نسخه دیجیتالی در موارد ذیل استفاده شود، از موارد معافیت از جبران خسارت است: الف) بخشی از اخبار، اطلاعات عمومی، یا گزارش ورزشی باشد؛ ب) بخشی از یک مستند، اثر تاریخی، یا بیوگرافی باشد، به شرط اینکه از خود فرد برای نمایش شخص او استفاده شود؛ ج) به منظور اظهارنظر، انتقاد، دانش پژوهی، طنز، یا تقلید بهره‌برداری شود؛ د) در یک آگهی تجاری برای اهدافی که در بندهای الف، ب، ج توضیح داده شد استفاده شود؛ ه) استفاده از نسخه دیجیتال به نحو اندک یا تصادفی باشد. با مرور استثنائات معرفی شده در لایحه قانون یادشده می‌توان به دو ضابطه مهم رسید که پیش‌تر در رویه قضایی امریکا نیز در حوزه حق جلوت از عوامل معافیت شناخته می‌شدند؛ یکی ضابطه استفاده منصفانه و دیگری استفاده از اطلاعات عمومی. ضابطه‌ای که در لایحه مشاهده نمی‌شود اما استفاده از آن مفید به نظر می‌رسد نیز تحت عنوان ضابطه استفاده متحولانه به قانون‌گذار ایران پیشنهاد می‌شود. در ادامه، به منظور درک بهتر، به بررسی دقیق ضوابط و مصادیق آن پرداخته می‌شود.

ضابطه استفاده منصفانه

ضابطه استفاده منصفانه که در بند «ه» از بخش C آمده و برگرفته از قوانین کپی‌رایت است به این اشاره دارد که چنانچه استفاده به صورت اندک یا اتفاقی باشد، قابل ممانعت است و منجر به مسئولیت فرد نخواهد شد (شاکری و حبیبی، ۱۳۹۴: ۲۰۷ - ۲۲۳). به این ترتیب، می‌توان گفت نظریه استفاده منصفانه یک استثنا بر حقوق مالکانه افراد نسبت به جلوتشان تلقی می‌شود که به موجب آن اشخاص ثالث می‌توانند بدون ضرورت کسب اجازه از مالکان حق استفاده اندک یا تصادفی از آن داشته باشند. مثلاً، در پرونده‌ای که شرکت خواننده در خلق بازی رایانه‌ای از نام و فنون یک رزمی‌کار به صورت دیجیتالی استفاده کرده بود و خواهان به استناد استفاده از نام و نشانه‌های هویتی‌اش مدعی نقض جلوت شده بود، دادگاه آن را منتفی دانست. زیرا بر اساس نظرسنجی‌های انجام شده تنها ۶ درصد مخاطبان شخصیت خواهان را شناسایی کرده بودند و نام خواهان صرفاً برای بازیکنانی که پیروز می‌شدند، آن هم به مدت ۸ ثانیه، نمایش داده می‌شد. بنابراین دادگاه استفاده را منصفانه تلقی کرد.^۱ پس، باید پذیرفت که چنانچه استفاده از نسخه دیجیتالی افراد توسط ابزارهای مجهز به هوش مصنوعی به نحو کم یا تصادفی باشد منجر به مسئولیت فرد ناقص نخواهد شد. در نظام حقوقی ایران نیز اگرچه نظریه استفاده منصفانه به‌صراحت در متون قانونی پیش‌بینی نشده، به باور برخی از استادان می‌توان رد پای آن را در ماده ۳۱ و بند ۱ ماده ۳۲ قانون قدیم ثبت اختراع، طرح‌های صنعتی، و علائم تجاری مشاهده کرد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۱؛ بادینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۷، ۱۲۱).

ضابطه استفاده از اطلاعات عمومی

ضابطه یادشده که بخش اعظمی از استثنائات را در خود گنجانده و مشتمل بر بندهای «الف»، «ب»، «ج»، و «د» از بخش

1. Pesina v. Midway mfg. co 1996.

است غالباً به مواردی اطلاق می‌شود که به جهت تأمین منفعت عمومی جامعه بر حقوق فردی اشخاص برتری داده می‌شود. در تعریف اطلاعات عمومی می‌گویند که همه افراد به جهت افزایش آگاهی عمومی آزادانه به آن‌ها دسترسی دارند و خواننده صرفاً اقدام به گردآوری آن کرده است (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۱۲۳). بنابراین زمانی که دادگاه اطلاعات و محتویات مورد استفاده را عمومی تلقی کند خواننده می‌تواند در پرتو حمایت از آزادی بیان معاف از مسئولیت شناخته شود. مثلاً، در پرونده‌ای که بازماندگان یکی از ژنرال‌های مشهور آمریکا علیه شرکت سازنده بازی که هویت او را کاملاً شبیه‌سازی کرده بود مطرح کردند دادگاه رأی به نقض جلوت نداد. زیرا ژنرال معروف تبدیل به یک شخصیت تاریخی و عمومی شده بود و نمی‌شد آن را انحصاری دانست.^۱ در ادامه، به منظور بررسی دقیق‌تر به مرور استثنائات پرداخته و نکاتی پیرامون هر یک ارائه می‌شود.

بند «الف» ناظر بر استفاده از نسخه دیجیتال به عنوان بخشی از اخبار و اطلاعات عمومی یا گزارش ورزشی است. در توضیح این بند باید گفت یکی از نشانه‌های جوامع دموکراتیک این است که حق مردم برای دریافت اطلاعات در خصوص رویدادها و همچنین آزادی رسانه‌ها در انتشار آن مطالب از جمله حقوق اساسی تضمین شده است که گاهی می‌تواند منجر به نقض حقوق فردی افراد از جمله حق جلوت شود (Cass, 1987: 1411; Smolla et al., 2011: 12). باید توجه داشت که آزادی رسانه‌ها در انتشار اطلاعات و استفاده از نشانه‌های هویتی افراد فقط محدود به مطالب حاوی ارزش خبری نخواهد بود و می‌تواند هر موضوعی را که مورد علاقه عموم باشد و به نوعی احساسات مردمی را جریحه‌دار کند تحت عنوان اطلاعات عمومی دربرگیرد (Balkin, 2017: 25, 53; Barnett, 1995: 28). مفاد بند «الف» که پیش‌تر از سوی همه ایالت‌هایی که حق جلوت را به رسمیت شناخته بودند به عنوان استثنا پذیرفته شده بود (Grandpre, 2001: 83) عیناً در خصوص استفاده از نسخه‌های دیجیتال نیز تکرار شده است. با این حال، به نظر می‌رسد استفاده از دیپ فیک یا همان نسخه جعلی در پخش برنامه‌های خبری و ورزشی، که وظیفه‌شان مخابره واقعیت‌ها و به نوعی اطلاعات عینی موجود است، می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی شود؛ چه اینکه مردم با مراجعه به آن‌ها می‌خواهند بدانند به طور دقیق چه اتفاقاتی روی داده است. بنابراین استفاده از دیپ فیک‌ها که ماهیت تخیلی دارند چندان توجیهی ندارد (Shtefan, 2023: 38)؛ مگر این که گفته شود استفاده از آن به منظور بالا بردن کیفیت تصاویر و فیلم‌های ضبط شده است.

بند «ب» ناظر به استفاده از نسخه‌های دیجیتال به عنوان بخشی از یک مستند، اثر تاریخی، یا بیوگرافی است؛ به شرط اینکه از خود فرد برای نمایش شخص او استفاده شود. استثنائات مندرج در این بند که ریشه در اصل آزادی بیان دارد به نویسندگان یک جامعه اجازه می‌دهد تا تاریخچه زندگی افراد معروف را در قالب مستند یا بیوگرافی شرح و پرورش دهند و در اختیار عموم بگذارند (Tan, 2017: 66, 155).

سؤالی که پاسخ به آن مهم به نظر می‌رسد این است که آثار ساخته‌شده در قالب‌های مستند، اثر تاریخی، و بیوگرافی تا چه حد باید منطبق با واقعیت باشند تا مشمول نقض حق جلوت نشوند؟ مثلاً، آیا سازنده فیلم بیوگرافی تخیلی از زندگی دانشمند برجسته، انیشتین، همچنان از حمایت اصل آزادی بیان برخوردار است؟ یا به دلیل استفاده از نشانه‌های هویتی انیشتین در یک روایت جعلی از زندگی او مشمول جبران خسارت است؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا رویه قضایی آمریکا و قانون نیویورک مرور و سپس به پیش‌نویس قانون No Fake پرداخته می‌شود.

پیش‌تر، رویه قضایی آمریکا میان اثر واقعی و تخیلی قائل به تفکیک بود.^۲ بدین صورت که اگر اثر یک برداشت واقعی از زندگی فرد معروف ارائه می‌کرد، به جهت تأمین اصل آزادی بیان، مشمول مقررات نقض حق جلوت نمی‌شد.^۳ چه آنکه اطلاع از شیوه زندگی افراد معروف در دایره اطلاعات عمومی قرار داشت و همگان می‌توانستند به راحتی از آن مطلع شوند. اما اگر اثر برداشت خیالی نویسنده از زندگی فرد معروف بود و هیچ نشانه‌ای مبنی بر تخیلی بودن آن در طول اثر به مخاطبان ارائه نمی‌شد، اقدام سازنده به جهت قلب واقعیت و به نوعی قرار دادن فرد معروف در نوری کاذب لطمه به حریم خصوصی او قلمداد می‌شد و

1. General Patton v. Maximum Games LLC 2014.

2. Porco v. Lifetime Entm't Servs., LLC, 147 A.D.3d 1253, 1255-1256 (N.Y. App. Div. 2017).

3. Campbell, 510 U.S. at 579; Harper & Row Publishers, Inc. v. Nation Enter., 471 U.S. 539, 563 (1985).

برای نویسنده مسئولیت در پی داشت.^۱ به این ترتیب، چنانچه استفاده از جلوت فرد با هدف ساخت تخیل نویسنده بود و این موضوع به نحوی به اطلاع مخاطبان می‌رسید، اثر به واسطهٔ خلاقیت سازنده در پرتو حمایتی اصل آزادی بیان قرار داشت و منجر به مسئولیت نمی‌شد. بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود رویهٔ قضایی در جدال میان آزادی بیان به واسطهٔ ساخت آثار بیانی همچون مستند و اثر تاریخی و همچنین نقض حق جلوت پیرو استفاده از نشانه‌های هویتی دیگری قائل به تفکیکی دقیق می‌شود و آن بیان واقعیت یا اعمال خلاقیت است.

در قانون حق جلوت نیویورک مصوب ۲۰۲۱ وضعیت متفاوت است.^۲ قانون یادشده که برای نخستین بار در خصوص استفاده از نسخه‌های دیجیتالی تعیین تکلیف می‌کند و از این حیث قابل توجه است در بخش دوم از بند d تفاوتی میان اثر تخیلی و واقعی نمی‌گذارد. پیش‌نویس قانون No Fake نیز در اقدامی مشابه با آن خلق آثار بیانی را محدود به واقعی بودن اثر نمی‌کند و در بخش استثنائات به صراحت مقرر می‌دارد که فارغ از میزان تخیلی بودن اثر استفاده از نسخه‌های دیجیتالی به موجب بندهای ذیل مجاز است.

به نظر می‌رسد عدم تفکیک میان واقعی یا تخیلی بودن اثر به جهت توالی فاسدی که در پی دارد قابل انتقاد باشد. زیرا، اگرچه در ظاهر انگیزهٔ قانون‌گذار از عدم اشتراط واقعی بودن اثر گسترش مصادیق اطلاعات عمومی و در پی آن تأمین بهتر اصل آزادی بیان بوده، فقدان چنین محدودیتی با کارکرد اصل یادشده در تعارض مستقیم قرار دارد؛ چه آنکه نظریهٔ بازار ایده‌ها که از آن به عنوان مهم‌ترین مبنای اصل آزادی بیان یاد می‌شود تأکید بر کشف حقیقت و روشنگری دارد؛^۳ درحالی‌که مجاز شمردن خلق آثار تخیلی از مواردی که انتظار می‌رود بر اساس واقعیات باشد و اساساً ویژگی داستان‌نویسی با اصل و هدف آن ژانرها مطابقت ندارد لطمه به آن اصل می‌زند (Ogunleye, 2005: 102). از سوی دیگر، این موضوع می‌تواند به جهت نسبت دادن اتفاقات نادرست به شهرت و حیثیت افراد لطمه وارد کند و همچنین با تحریف وقایع سبب گمراهی مردم شود. بنابراین به گمان نگارندگان بهره از رویهٔ قضایی امریکا در خصوص تفکیک میان آثار واقعی و تخیلی مناسب‌تر است.

سؤال بعدی که به آن پرداخته می‌شود این است که آیا برای خلق آثار بیانی همچون مستند و اثر تاریخی باید از نسخهٔ دیجیتالی همان فرد معروف که بناست زندگی‌اش به تصویر کشیده شود استفاده کرد یا می‌توان از نسخهٔ دیجیتالی فرد دیگر بهره برد؟ در این میان، آیا تفاوتی از حیث زنده یا متوفی بودن فردی که زندگی‌اش به تصویر کشیده شده وجود دارد یا خیر؟ مثلاً، برای ساخت فیلم بیوگرافی از بازیگر معروف، رابرت دنیرو، می‌توان بدون نگرانی بابت نقض حق جلوت از نسخهٔ دیجیتالی خود او بهره برد؟ آیا استفاده از نسخهٔ دیجیتال بازیگر دیگر ممکن نیست؟ وضعیت در خصوص ساخت بیوگرافی از مایکل جکسون که سال‌ها پیش فوت شده چگونه است؟ آیا فقط باید از نسخهٔ دیجیتالی خود او بهره برد؟

در پاسخ به سؤال بیان‌شده امکان مراجعه به رویهٔ قضایی امریکا به جهت تازگی موضوع میسر نیست. بنابراین ابتدا به قانون جلوت نیویورک و سپس لایحه قانونی No Fake پرداخته می‌شود. در بخش d قانون نیویورک، استفاده از نسخهٔ دیجیتالی افراد منوط به رعایت یک شرط شده است و آن اینکه از نسخهٔ دیجیتالی همان مجری فوت‌شده (اعم از بازیگر، خواننده، نوازنده، رقصدنه) برای خلق اثر مرتبط با او استفاده شود.^۴ به این ترتیب، استفاده از نسخهٔ دیجیتالی مجریانی که در قید حیات نیستند، چنانچه با استفاده از نسخهٔ ساختگی خود آن‌ها و به منظور خلق آثار بیانی باشد، منجر به نقض جلوت نخواهد شد (Curren, 2024: 176). مثلاً، برای ساخت زندگی‌نامهٔ مایکل جکسون، که سال‌ها پیش فوت شده، می‌توان بدون نگرانی بابت نقض حق جلوت و لزوم پاسخ‌گویی به ورثه، از نسخهٔ دیجیتالی او بهره برد. اما استفاده از نسخهٔ دیجیتالی بازیگر دیگر برای نمایش مایکل جکسون با ادعای نقض جلوت روبه‌رو می‌شود.

شاید از مفاد مادهٔ یادشده این‌طور برداشت شود که استفاده از نسخهٔ دیجیتالی افراد زنده تحت هر شرایطی ممنوع است. اما با مراجعه به مادهٔ ۲ قانون یادشده، که به صراحت قواعد مربوط به ممنوعیت استفاده از نسخهٔ دیجیتال را مختص به مجریان متوفی

1. Messenger v. Gruner+ Jahr, 2000.

2. N.Y. CIV. RIGHTS LAW § 50-f(2)(b), (2)(d)(ii) (McKinney 2023).

3. Dombrowski v. Pfister, 1965.

4. New York Civil Rights Law § 50-F (2022).

اعلام می‌کند، تکلیف را در خصوص زندگان و عدم ممنوعیت استفاده از ماکت دیجیتالیشان روشن می‌سازد.^۱ به گمان نگارنده، رویکرد قانون نیویورک در خصوص انحصار ممنوعیت استفاده از نسخه دیجیتال به مجریانی که فوت شده‌اند قابل انتقاد است. زیرا، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های وضع قانون یادشده این بود که در مقابل آسیب‌های مالی وارده به هنرمندان، که به واسطه بهره از نسخه‌های دیجیتال به درآمد ایشان وارد می‌شد، چاره‌ای اندیشد و مانع از بهره‌برداری‌هایی شود که نیاز به خود واقعی بازیگر را کم می‌کند. از سوی دیگر، مگر مجریان زنده چه تفاوتی با مردگان دارند که ممنوعیت استفاده از ماکت دیجیتال شامل حال آن‌ها نمی‌شود! چه‌بسا حمایت از زندگان به واسطه لزوم تأمین امرار معاش نسبت به مردگانی که در زمان حیاتشان به میزان کافی از شهرتشان بهره برده‌اند منطقی‌تر باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد مجاز شمردن استفاده از نسخه دیجیتال هنرمندان زنده، ولو برای تحقق مقاصد از جنس آزادی بیان، نوعی نقض غرض است و منطقی به نظر نمی‌رسد. همچنین، از آنجا که فناوری‌های تولید محتوای دیجیتال به طور گسترده در دسترس عموم قرار دارد و داده‌های بسیاری از افراد به صورت آنلاین منتشر می‌شود، خطرات بالقوه ناشی از دیپ‌فیک‌ها مختص افراد معروف نیست و شایسته است قانون‌گذار از مردم عادی نیز حمایت کند (Shtefan, 2024: 7).

در لایحه قانون No Fakes نیز به موجب بند C استفاده از نسخه دیجیتال افراد برای ساخت آثار بیانی محدود به حیات یا ممات آن‌ها نیست. بنابراین می‌توان برای ساخت زندگی‌نامه هنرمندانی که در قید حیات هستند بی‌اجازه از نسخه دیجیتالیشان بهره برد، بی‌آنکه لازم باشد بابت استفاده اشاره شده بهایی به ایشان پرداخت کرد (Preminger ; Kugler, 2023: 110): درحالی‌که این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که ارزش اقتصادی آن اثر به علت استفاده از شباهت بازیگر معروف بوده و استفاده از نسخه دیجیتال بازیگر نیاز به خود او را کم می‌کند.^۲ از سوی دیگر، رویه گذشته محاکم نیز مؤید این باور است که چنانچه استفاده از شباهت فرد معروف تهدیدی برای معیشت او باشد، اقدام به نقض جلوت ولو با توجیهاتی نظیر بیان اخبار و ساخت گزارش ممنوع است و منجر به مسئولیت فرد ناقض می‌شود. شاهد مثال آن پرونده زاکینی است که در آنجا دیوان عالی امریکا دفاعیات خوانده را که یک شرکت خبری بود و قسمت کوتاهی از نمایش خواهان را در شبکه تلویزیونی پخش کرده بود، به جهت لطمه به ارزش اقتصادی فعالیت خواهان، پذیرفت و رأی به جبران خسارت داد.^۳ بنابراین رویکرد قانون یادشده نیز همچون قانون نیویورک به جهت عدم احترام به ارزش اقتصادی هنرمندان قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

در خصوص بند «ج» که دلالت بر تجویز استفاده از نسخه دیجیتال به منظور اظهار نظر، انتقاد، دانش‌پژوهی، طنز، یا تقلید دارد و به واسطه حمایت از آزادی بیان پیش‌تر در زمره استثنائات حق جلوت نیز آمده^۴ در اینجا تکرار شده است. نکته‌ای که بیان آن لازم بوده این است که رویه قضایی میان تقلیدهای تحت‌اللفظی و خلاقانه تفکیک می‌گذارد و در خصوص تقلیدهای دسته اول قائل بر استثنا نیست (Koo, 2006: 14). به باور قضاات امریکایی شباهت با شخص مشهور نباید جوهره اصلی اثر باشد بلکه باید یکی از مواد خامی باشد که آن اثر بدیع و مبتکرانه از آن استخراج می‌شود. به بیان دیگر، ارزش اقتصادی اثر باید وابسته به خلاقیت فرد باشد و نه اینکه وام‌دار شباهتش با افراد معروف باشد. مثلاً، در پرونده‌ای که خوانده تصاویر بازیگران سه کله‌پوک را با دغال روی پیراهن کشیده بود استفاده یادشده آن قدر دگرگون‌کننده نبود تا به بیان خود خوانده تبدیل شود.^۵ اما در پرونده دیگری نقاشی تصاویر آوازخوان‌ها بر پیکری که نیمه انسان و نیمه موجود فضایی بود دگرگون‌کننده تلقی شد.^۶

در نظام حقوقی ایران نیز به نظر می‌رسد رعایت ضابطه بیان‌شده موافق با روح قوانین باشد؛ چه آنکه در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده نشریات و مطبوعات در بیان مطالب تا جایی که مخل مبانی اسلام و یا حقوق عمومی نباشد آزاد هستند. پیرو این اصل در ماده ۲ قانون مطبوعات نیز روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در زمینه‌های مختلف از

1. Brian Welk, The 3 Biggest A.I. Questions That Should Have Actors Worried, INDIEWIRE (July 11, 2023, 10:00 AM).

2. Comedy III Prods., Inc. v. Gary Saderup, Inc., 21 P.3d 797, 804-05 (Cal. 2001).

3. Zacchini v. Scrioos-Howard Broad. Co., 433 U.S.562 (1977).

4. Everley v. Women's Med Center, 1991.

5. Comedy III Productions, Inc. v. Gary Saderup, Inc, 2002.

6. Winter v. DC Comics, 2003.

وظایف آن‌ها شمرده شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در نظام حقوقی ایران نیز استفاده از هویت فرد معروف چنانچه به قصد آگاهی‌بخشی باشد منجر به مسئولیت ناقص نخواهد شد. همچنین در قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان مواردی به عنوان استثنا معرفی شدند که می‌توان علت آن را رعایت ضابطه یادشده دانست. مثلاً، به موجب ماده ۷ قانون یادشده نقل و استناد به اثرهایی که انتشار یافته‌اند به مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی، و تربیتی مجاز است. از سوی دیگر اصل ۴۰ قانون اساسی نیز با بیان اینکه هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله تجاوز به منافع عمومی قرار دهد تأکید بر این دارد که منافع عمومی جامعه بر حقوق فردی افراد از جمله حق جلوت ترجیح دارد.

ضابطه استفاده متحولانه

تا اینجا گفته شد که حق بر نسخه دیجیتالی همچون حق جلوت در مواردی به واسطه استفاده منصفانه یا استفاده از اطلاعات عمومی حاوی استثنائات قانونی است. اما آنچه متفاوت به نظر می‌رسد این است که برخلاف حق جلوت در اینجا معیار استفاده متحولانه از مصادیق استثنائی محسوب نشده است.^۱ حال سؤال اینجاست که چه تفاوتی میان نقض متحولانه سایر مصادیق جلوت (همچون تصویر) با نسخه دیجیتالی وجود دارد که در اولی خلاقیت از اسباب معافیت محسوب شده و در دومی خیر! به نظر می‌رسد، نسخه‌های دیجیتالی به واسطه شباهت بسیار زیادی که به افراد دارند به راحتی می‌توانند جایگزین آن‌ها شوند، بی‌آنکه مخاطبان به ساختگی بودن آن پی ببرند (Shtefan, 2024: 46). به این ترتیب، چنانچه بزرگ‌ترین تهدید نسخه‌های دیجیتال این باشد که پتانسیل نیاز به خود واقعی‌تر یا هنرمند را کاهش می‌دهد، اطمینان از اینکه آن حقه‌ها به میزان کافی خلاقانه به نظر برسند مشکلی را حل نمی‌کند؛^۲ درحالی‌که این ریسک در مصادیق گذشته حق جلوت به دلیل توانایی محدودتری که در بازتولید هویت افراد وجود داشت آن قدر بالا نبود.^۳ مثلاً تصور کنید اگر در زمان گذشته نقض جلوت این‌گونه بود که بدون اجازه از تصویر بازیگر معروف یا صدای مشابه او برای تبلیغ کالا استفاده می‌شد، امروزه با پیشرفت تکنولوژی و توانایی ساخت ماکت دیجیتالی افراد این امکان فراهم شده که ویدیویی با بازی و صدای بازیگر منتشر شود که ساعت‌ها کالای مورد نظر را تبلیغ می‌کند، بی‌آنکه مخاطبان و گاهی خود بازیگر بتوانند فیک بودن آن تبلیغ را تشخیص دهند. به این ترتیب، قانون‌گذار با حذف ضابطه استفاده متحولانه از دامنه استثنائات قانونی بهره از نسخه‌های دیجیتالی عامدانه کاسته تا بدین نحو از حقوق شخصی افراد حمایت بیش‌تری کند (Mohammed, 2024: 215). اما به نظر می‌رسد این موضوع در نهایت به ضرر آن‌ها تمام شده است! چه آنکه در عمل حذف عنصر خلاقیت به گسترش استثنائات قانونی حق بر نسخه دیجیتال منتهی شده است. تصور کنید، به موجب لایحه یادشده، از نسخه دیجیتالی بازیگر معروف برای ساخت فیلم مستند او استفاده شود. بازیگر نمی‌تواند بابت استفاده اشاره‌شده مدعی خسارت شود (Curren, 2024: 182). چه آنکه استفاده از تصویر دیجیتالی در راستای ساخت اثر بیانی بوده که از حمایت اصل آزادی بیان برخوردار است؛ درحالی‌که روشن است تجویز استفاده بدون پرداخت بهای آن لطمه به ارزش اقتصادی هنرمند است. بنابراین شایسته است صرف بررسی اینکه اثر در چه زمینه‌ای قرار دارد (ادبی، انتقادی، طنزآمیز، و...) یا به چه میزان از آن استفاده شده (کم یا تصادفی) تعیین‌کننده نقض یا عدم نقض حق بر نسخه دیجیتال نباشد، بلکه نحوه استفاده به صورت متحولانه یا خلاقانه نیز به عنوان یکی از موارد مهم در تصمیم‌گیری دادگاه‌ها لحاظ شود.^۴ به بیان دیگر، هم‌سو با باور دیوان عالی امریکا در پرونده معروف زاکینی، که به‌رغم پخش نمایش در شبکه خبری دفاع مستند به ضابطه اطلاعات عمومی را از خواننده نپذیرفت و رأی به جبران خسارت داد،^۵ در اینجا نیز صرف استفاده از نسخه‌های دیجیتالی افراد در آثار بیانی همچون

1. ETW Corp. v. Jireh Publ'g, Inc., 332 F.3d 915, 935 (6th Cir. 2003); Kirby v. Sega of Am., Inc., 50 Cal. Rptr. 3d 607, 615 (Cal. 2006); JAMES A. JOHNSON, THE RIGHT OF PUBLICITY AND THE STUDENT-ATHLETE, 2-15, p: 548; Jacy T. Jasmer, ETW Corp. v. Jireh Publishing, Inc.: A Workable Standard, An Unworkable Decision, 5 MINN. INTELL. PROP. REV. 293, 299-306 (2004).

2. Kirby v. Sega of Am., Inc., 50 Cal. Rptr. 3d 607, 615 (Cal. Ct. App. 2006) Copyright Act 1976, 17 USC § 107(1). Campbell v Acuff-Rose Music Inc, 510 US 569, 579-85 (1994) ('Campbell'); Blanch v Koons, 467 F 3d 244, 251-6 (2nd Cir, 2006); Suntrust Bank v Houghton Mifflin Co, 268 F 3d 1257, 1268-9 (11th Cir, 2001).

3. Kent Jr and M. B., 2009: 10.

4. Winter v. DC Comics (2003).

5. Zacchini v. Scrioos-Howard Broad. Co, 1977.

ساخت فیلم از اسباب معافیت شناخته نشود و خلاقیت به عنوان عنصر تکمیل کننده در کنار آن‌ها لحاظ شود و چنانچه استفاده به همراه خلاقیت بود آن‌گاه از موارد معافیت محسوب شود.

اگرچه در نظام حقوقی ایران نیز معیار استفاده متحولانه در بحث حقوق مالکیت فکری که بیشترین شباهت را با موضوع حاضر دارد از عوامل معافیت شناخته نشده (شبییری، ۱۳۹۶: ۷۷)، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با هدف ایجاد تعادل ظریف میان حمایت از حقوق فردی و نوآوری دست‌کم از معیار یادشده به عنوان ابزاری برای کاهش مسئولیت استفاده کند. به بیان دیگر، به جای فرضیه عدم مسئولیت و نادیده گرفتن لطمه به ارزش اقتصادی جلوت افراد به سمت کاهش مسئولیت متناسب با میزان خلاقیت برود.^۱ پذیرش این نظر علاوه بر ایجاد انگیزه برای هنرمندان، ورزشکاران، و مردم عادی که به منظور کسب شهرت در تلاش‌اند مانع از انسداد باب خلاقیت و هنر می‌شود (Marc, 2013: 584) و با اصل کارایی اقتصادی و اصل انصاف نیز هم‌سو است (Gary, 1989: 85). چه آنکه با پاداش گرفتن فرد خلاق و تشویق افراد جامعه به صرف نبوغ و خلاقیت مضاعف رفاه جمعی مورد نظر در اصل کارایی اقتصادی کالدور که به دنبال سود بیشتر در مقابل ضرر کمتر است بهتر تأمین می‌شود و از سوی دیگر مسئولیت نسبی فرد خلاق به جای فرض عدم مسئولیت در برابر کسی که از هویت او بهره‌برداری کرده است به تحقق عدالت اجتماعی نزدیک‌تر است (Kaldor, 1939: 549-552).

نتیجه

هوش مصنوعی شاخه‌ای از علم کامپیوتر است که به طراحی سیستم‌های شبیه به هوش انسان می‌پردازد و در صنایع مختلف علمی به جهت قابلیت‌های آن همچون سرعت در تصمیم‌گیری و پیش‌بینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، به جهت امکان تولید نسخه‌های دیجیتالی بسیار نزدیک به واقعیت از طریق تقلید نشانه‌های هویتی افراد، همچون تصویر و صدا، تهدید بزرگی برای حق جلوت محسوب می‌شود؛ چه اینکه تکرار استفاده بدون مجوز از شخصیت افراد مشهور با حق بهره‌برداری تجاری از نشانه‌های هویتی آن‌ها منافات دارد. عدم حمایت از حق جلوت در جدال با نسخه‌های دیجیتالی که به واسطه هوش مصنوعی به‌سهولت ساخته و منتشر می‌شوند مضرات فراوانی دارد که دارا شدن بلاجهت، از دست رفتن انگیزه افراد برای تبدیل شدن به چهره معروف، و به خطر افتادن آبرو و حیثیت افراد به جهت تولید عکس‌ها و فیلم‌های پورن از مهم‌ترین آن‌هاست. به نظر می‌رسد برای اجتناب از آثار نامطلوبی که به آن اشاره شد باید جانب حق جلوت را گرفت و با شناسایی حق بر نسخه دیجیتالی به عنوان یکی از مصادیق آن اصل را بر حمایت از جلوت گذاشت. اما چنانچه نقض آن به موجب ضوابطی همچون اطلاعات عمومی، استفاده منصفانه، و استفاده متحولانه توجیه شود، مثلاً با هدف آزادی بیان باشد، یا با بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه انجام شود، منجر به مسئولیت شخص ناقض نخواهد شد.

1. William L. Prosser, Comparative Negligence, 51 MICH. L. REV. 465, 465-67 (1953); Stuart F. Schaffer, Comment, Informing the Jury of the Legal Effect of Special Verdict Answers in Comparative Negligence Actions, 1981 DUKE L.J. 824, 825 (1981).

منابع

- بادینی، حسن؛ حسین‌زاده، مجید و محبی‌فرد، سمانه (۱۳۹۳). بررسی نظریه استفاده منصفانه قانونی (کلاسیک) در علائم تجاری توصیفی. *پژوهشنامه بازرگانی*، ش ۷۳، ۹۹ - ۱۲۳.
- حبیبیا، سعید؛ حسین‌زاده، مجید و محبی‌فرد، سمانه (۱۳۹۵). بررسی نظریه استفاده منصفانه از علامت تجاری غیر به منظور معرفی کالاها و خدمات. *پژوهشنامه بازرگانی*، ش ۷۸، ۱۲۵ - ۱۴۷.
- شاکری، زهرا و حبیبیا، سعید (۱۳۹۴). *منافع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیرینی (زنجانی)، سید حسن (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی نقیضه‌گویی در آثار ادبی و هنری؛ هدف کپی‌رایت یا نقض کپی‌رایت؟! *الهیات هنر*، س ۳، ش ۱۰.
- میرشکاری، عباس (۱۴۰۱). *حق جلوت، تحلیل رویکرد نظام حقوقی در برابر بهره‌برداری تجاری از شهرت دیگری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۹). مبانی حمایت حقوقی از شهرت. *مطالعات حقوق تطبیقی، مجله حقوق تطبیقی*، ش ۱، ۳۳۹-۳۶۱.
- میرشکاری، عباس؛ ثابت قدم، فاطمه؛ اصغرینیا، مرتضی (۱۴۰۳). درآمدی بر چالش‌های فناوری هوش مصنوعی در حوزه حریم خصوصی، فصلنامه مطالعات حقوقی فضای مجازی، س ۳، ش ۴.
- Ali-Mohammed, I. (2024). Eliminating Ghostwriters: How a Federal Right of Publicity Can Save the Music Industry from Generative Artificial Intelligence. *Journal of Intellectual Property Law*, 31(2), 212.
- Badini, Hassan; Hosseinzadeh, Majid and Mohebfard, Samaneh (2014). A study of the theory of legal fair use (classical) in descriptive trademarks. *Journal of Business Research*, No. 73, 99-123. (in persian)
- Rockwell, E. (2024). The Heart of Artificial Intelligence in the Music Industry: Amending the Music Modernization Act to Promote Transparency. In *Boston College Intellectual Property and Technology Forum*, Vol. 2024, 1-19.
- Varantsou, M. (2024). Image Rights in the Age of AI and Deep Fakes.
- Ogunleye, F. (2005). Television docudrama as alternative records of history. *History in Africa*, 32, 479-484.
- Koo, A. (2006). Right of Publicity: The Right of Publicity Fair Use Doctrine-Adopting a Better Standard. *Buff. Intell. Prop. LJ*, 4, 1. Andrew Koo, Right of Publicity: The Right of Publicity Fair Use Doctrine - Adopting a Better Standard, 4Buff. Intell. Prop. L.J. 1 (2006).
- Tan, D. (2017). *The commercial appropriation of fame: A cultural analysis of the right of publicity and passing off*. Cambridge University Press. Vol. 36.
- Alan M. Turing (1950). *Computing Machinery and Intelligence*, 435.
- Ananny, M. & Crawford, K. (2018). Seeing without knowing: Limitations of the transparency ideal and its application to algorithmic accountability. *new media & society*, 20(3), 973-989.
- Andrew Koo (2006). Right of Publicity: The Right of Publicity Fair Use Doctrine - Adopting a Better Standard. *Buffalo Intellectual Property Law Journal*, 12.
- Aydin, O., Karaarslan, E., & Narin, N. G. (2024). Artificial intelligence, vr, ar and metaverse technologies for human resources management. arXiv preprint arXiv:2406.15383. Aydin and Karaarslan, Artificial Intelligence, VR, AR and Metaverse Technologies for Human Resources Management, 2023.
- Aydin, Omer, and Enis Karaarslan (2023). Is ChatGPT Leading Generative AI What is Beyond Expectations, 118-134.
- Balkin, J. M. (2017). Digital speech and democratic culture: A theory of freedom of expression for the information society. In *Law and Society approaches to cyberspace*. Routledge. 325-382.
- Barron, L. (2014). *Celebrity cultures: An introduction*. Lee Barron (2018). *Celebrity Cultures: An Introduction*. Amazon book clubs.
- Bartholomew (2011). 50 A Right is Born: Celebrity, Property, and Postmodern Lawmaking, 44 CONN.L.Rew.301.347 (2011).
- Bartholomew, M. (2017). The Political Economy of Celebrity Rights. *Whittier L. Rev.*, 38, 1.
- Bergmann, Oyola (1999). publicity rights in the united states and germany: a comparative analysis. *Oyola of los angeles entertainment law review*, Vol. 19.
- Cass, R. A. (1987). Commercial Speech, Constitutionalism. *Collective Choice*. U. Cin. L. Rev., 56, 1317.
- Chen, S. H., Jakeman, A. J., & Norton, J. P. (2008). Artificial intelligence techniques: an introduction to their use for modelling environmental systems. *Mathematics and computers in simulation*, 78(2-3), 379-400. Chen, et al, 2008, 397-400.
- Cireşan, D. C., Meier, U., Gambardella, L. M., & Schmidhuber, J. (2010). Deep, big, simple neural nets for handwritten digit recognition. *Neural computation*, 22(12), 3207-3220.

- Collins, A. (2019). Forged authenticity: governing deepfake risks, EPFL International Risk Governance Center (IRGC).
- Confalonieri, R., Weyde, T., Besold, T. R., & Martín, F. M. D. P. (2019). Trepan reloaded: A knowledge-driven approach to explaining artificial neural networks. *arXiv preprint arXiv:1906.08362*. Confalonieri, R., Weyde, T., Besold, T. R., & Moscoso del Prado Martín, F. (2020). Trepan reloaded: A knowledge-driven approach to explaining artificial neural networks.
- Coombe, R. J. (1992). The celebrity image and cultural identity: Publicity rights and the subaltern politics of gender. *Discourse*, 14(3), 59-88.
- Curren, A. (2023). Digital Replicas: Harm Caused by Actors' Digital Twins and Hope Provided by the Right of Publicity. *Tex. L. Rev.*, 102, 155.
- De Grandpre, V. M. (2001). Understanding the market for celebrity: An economic analysis of the right of publicity. *Fordham Intell. Prop. Media & Ent. LJ*, 12, 73.
- Devlin, J., Chang, M. W., Lee, K., & Toutanova, K. (2018). Bert: Pre-training of deep bidirectional transformers for language understanding. *arXiv preprint arXiv:1810.04805*. Devlin, J., Chang, M. W., Lee, K., & Toutanova, K. (2019, June). Bert: Pre-training of deep bidirectional transformers for language understanding. In *Proceedings of the 2019 conference of the North American chapter of the association for computational linguistics: human language technologies, volume 1 (long and short papers)* (pp. 4171-4186).
- Dodge Alexa; Spencer Dale (2017). Online Sexual Violence, Child Pornography or Something Else Entirely? Police Responses to Non-Consensual Intimate Image Sharing among Youth. *Social & Legal Studies*, Vol. 27, No. 3.
- Edelman, M. (2013). Closing the Free Speech Loophole: The Case for Protecting College Athletes' Publicity Rights in Commercial Video Games. *Fla. L. Rev.*, 65, 553.
- Elgammal, A. & Mazzone, M. (2020). Artists, artificial intelligence and machine-based creativity in playform. *Artnodes*, 26, 1-8.
- Fukushima, K. (1980). Neocognitron: A self-organizing neural network model for a mechanism of pattern recognition unaffected by shift in position. *Biological cybernetics*, 36(4), 193-202.
- Gerstner, E. (2020). Face/off: "DeepFake" face swaps and privacy laws. *Def. Counsel J.*, 87, 1.
- Grady, M. F. & Alexander, J. I. (1992). Patent law and rent dissipation. *Va. L. Rev.*, 78, 305. Pa, M., Uddin, M. N., & Rezaei, N. (2023). An adaptive Neuro-Fuzzy Model-Based Algorithm for Fault Detection in PV Systems. *IEEE Transactions on Industry Applications*.
- Greene, K. J. (2007). Intellectual property at the intersection of race and gender: lady sings the blues. *Am. UJ Gender Soc. Pol'y & L.*, 16, 365.
- Greene, K. J. (2007). Intellectual Property Expansion: The Good, the Bad, and the Right of Publicity. *Chap. L. Rev.*, 11, 521. Intellectual Property Expansion: The Good, the Bad, and the Right of Publicity, K.J. Greene, p: 521, 2008.
- Grodin, J. R. (1952). The Right of Publicity: A Doctrinal Innovation. *Yale LJ*, 62, 1123.
- Gstrein, O. J. (2019). The Council of Europe as an Actor in the Digital Age: Past Achievements, Future Perspectives. *Festschrift der Mitarbeiter* Innen und Doktorand* Innen zum*, 60.
- Hamet, P. & Tremblay, J. (2017). Artificial intelligence in medicine. *Metabolism*, 69, S36-S40.
- Hendler, J. (2008). Avoiding another AI winter. *IEEE Intelligent Systems*, 23(02), 2-4.
- Habiba, Saeed; Hosseinzadeh, Majid and Mohebifard, Samaneh (2016). Studying the theory of fair use of another's trademark for the purpose of introducing goods and services. *Journal of Business Research*, No. 78, 125-147. (in persian)
- Hidayat Nurharyadi Fajar; Satwiko Prasasto (2021). The Implementation of Artificial Intelligence in the Environmental Licensing Process. *International Webinar on Digital Architecture 2021 (IWEDA 2021)*, Vol. 671. Hidayat, N. F., & Satwiko, P. (2022, July). The Implementation of Artificial Intelligence in the Environmental Licensing Process. In *International Webinar on Digital Architecture 2021 (IWEDA 2021)* (pp. 291-296). Atlantis Press.
- https://buffett.northwestern.edu/documents/buffett-brief_the-rise-of-ai-and-deepfake-technology.pdf.
- Johnson, J. A. (2015). The Right of Publicity and the Student-Athlete. *Elon L. Rev.*, 7, 537.
- Jones, F. (2023). Tune in or Tune Out: AI Developments Urge Federal Proposal for Voice Protection in Right of Publicity. Available at SSRN 4686869.
- Jones, M. E. (1979). Celebrity endorsements: a case for alarm and concern for the future. *New Eng. L. Rev.*, 15, 521.
- Jordan, M. I. & Mitchell, T. M. (2015). Machine learning: Trends, perspectives, and prospects. *Science*, 349(6245), 255-260.
- Kaldor, N. (1939). Welfare propositions of economics and interpersonal comparisons of utility. *The economic journal*, 49(195), 549-552. Kaldor, Nicholas (1939). Welfare Propositions of Economics and Interpersonal Comparisons of Utility. *The Economic Journal*, 49(195), 549-552.

- Locke, J. (2016). The second treatise of government. In *Democracy: A Reader* (pp. 120-123). Columbia University Press.
- Majority, C. (2015). John Locke, Civil Society, and the Constrained Majority. *Political Thinking, Political Theory, and Civil Society*, 145.
- McKenna, M. P. (2005). The right of publicity and autonomous self-definition. *U. Pitt. L. Rev.*, 67, 225.
- Meiklejohn, A. (1961). The First Amendment is an absolute. *The Supreme Court Review*, 1961, 245-266.
- Mellit, A., & Kalogirou, S. A. (2008). Artificial intelligence techniques for photovoltaic applications: A review. *Progress in energy and combustion science*, 34(5), 574-632.
- Adel Mellit, Soteris, A. Kalogirou (2008). Artificial intelligence techniques for photovoltaic applications: A review, 574-632.
- Minda, G. (1989). The law and economics and critical legal studies movements in American Law. In *Law and Economics* (pp. 87-122). Dordrecht: Springer Netherlands.
- Mirshekari, Abbas (2019). Fundamentals of Legal Protection of Reputation. *Comparative Law Studies, Comparative Law Journal*, Vol. 1, 339-361. (in persian).
- Mirshekari, Abbas; Sabet Qadham, Fatemeh; Asgharnia, Morteza (2024). An Introduction to the Challenges of Artificial Intelligence Technology in the Field of Privacy, *Quarterly Journal of Cyberspace Legal Studies*, Vol. 3, No. 4. (in persian).
- Mirshkari, A. (20221401). *The right to publicity the analysis of the legal system's approach to the commercial exploitation of another's reputation*. Tehran: Tehran University Press. (in Persian).
- Nilsson, N. J. (2009). *The quest for artificial intelligence*. Cambridge University Press.
- Noble's, S.U. (2019). Noble, Safiya Umoja. Algorithms of Oppression: How Search Engines Reinforce Racism. New York University Press, 2018. *WHY POPULAR CULTURE MATTERS*, 166.
- Pandolfini, B. (1997). *Kasparov and Deep Blue: The historic chess match between man and machine*. Simon and Schuster.
- Pierson, H. A. & Gashler, M. S. (2017). Deep learning in robotics: a review of recent research. *Advanced Robotics*, 31(16), 821-835.
- Preminger, A. & Kugler, M. B. (2023). The Right of Publicity Can Save Actors from Deepfake Armageddon. *Berkeley Technology Law Journal, Forthcoming, Northwestern Public Law Research Paper*, 23-52.
- Qin, H., Yu, Z., Li, Z., Li, H., & Zhang, Y. (2024). Nearly Zero-Energy Building Load Forecasts through the Competition of Four Machine Learning Techniques. *Buildings*, 14(1), 147.
- Reynolds, G. H. (2006). Does Power Grow Out of the Barrel of a Modem? Some Thoughts on Jack Goldsmith and Tim Wu's 'Who Controls the Internet?'. *Stanford Law and Policy Review*, 20, 101.
- Shabiri (Zanjani), Seyed Hassan (2017). A comparative study of paradox in literary and artistic works; The purpose of copyright or copyright infringement!. *Theology of Art*, Vol. 3, No. 10. (in persian)
- Shakri, Z. & Habiba, S. (2014). *Public Interests and Literary and Artistic Property Rights*. Tehran University Press. (in Persian).
- Shinde, P. P. & Shah, S. (2018). A review of machine learning and deep learning applications. In *2018 Fourth international conference on computing communication control and automation (ICCCUBEA)* (pp. 1-6). IEEE.
- Shtefan, A. (2024). The Digital Replication Right as the Element of the Right of Publicity in the AI Age. Available at SSRN 4788701.
- Smolla, R. A. (2011). *The constitution goes to college: Five constitutional ideas that have shaped the American university*. NYU Press.
- Tan, D. N. (2017). Owing the World's Biggest ESport: Intellectual Property and DOTA. *Harv. JL & Tech*, 31.
- Werbos, P. (1974). Beyond regression: New tools for prediction and analysis in the behavioral sciences. *PhD thesis, Committee on Applied Mathematics, Harvard University, Cambridge, MA*.
- Werbos, P. J. (1994). *The roots of backpropagation: from ordered derivatives to neural networks and political forecasting*. John Wiley & Sons. Vol. 1.